

فصل یک: تعریف و تاریخچه

فصل اول کتاب. مثل اکثر کتاب‌های دیگه راجع به تعریف‌ها و تاریخچه است ولی این جووری نیست که ازش رد بشی و بگی مهم نیست و ازش سوال نمیداد. اتفاقاً خوب هم سوال میاد. پس حسابی حواستو جمع کن

انواع تعریف‌های روان‌شناسی

- (تعریف‌ها رو عیناً نمی‌خواد حفظشون کنی ولی خوب یادشون بگیر)
- (۱) روان‌شناسی یعنی شناختن روان یا ذهن. بنابراین روان‌شناس کسی است که روان یا ذهن را مطالعه می‌کند.
 - (۲) روان‌شناسی کسی است که رفتار خود و دیگران را مطالعه می‌کند.
 - (۳) ذهن یا روان مستقیماً قابل مطالعه نیست اما از روی جلوه‌ها و عملکردهایی که دارد می‌توان آن را مطالعه کرد. پس روان یا ذهن را می‌توان بصورت غیرمستقیم و بر اساس جلوه‌های خارجی آن شناخت.
 - (۴) از طریق مقایسه با دیگران می‌توان گفت که ذهن انسان چگونه کار می‌کند.
 - (۵) ما خود ذهن یا خود روان را مطالعه نمی‌کنیم بلکه کنش‌ها یا عملکردهای آن را مطالعه می‌کنیم.
 - (۶) در روان‌شناسی ما جلوه‌های خارجی ذهن یعنی رفتار انسان را مطالعه می‌کنیم.
- * روان‌شناسی، یعنی شناختن روان یا ذهن و چون نمی‌توانیم از فرآیند ذهنی دیگران، یعنی از آنچه در درون مغز دیگران اتفاق می‌افتد، شناخت مستقیم داشته باشیم، به اجبار باید عملکرد آن، یا به سخن دیگر، رفتار آن‌ها را در نظر بگیریم. (همین جمله بارها سوال بوده!)

تاریخچه روان‌شناسی

- (تاریخچه هم زیاد مهم نیست، فقط همین دوتایی که برات آوردمو خووووب یاد بگیرشون!)
- 1) ویلهلم وونت، اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را در آلمان بنا کرد.
 - 2) وونت به پدر روان‌شناسی جدید شهرت دارد.

تاریخچه روان‌شناسی در ایران

- 1) روان‌شناسی در ایران تحت عنوان علم‌النفوس یا اخلاق، از قرن‌ها پیش مورد توجه بوده و دانشمندانی مثل فارابی و ابن سینا و ملاصدرا در این زمینه صحبت کرده‌اند.
- 2) دکتر علی‌اکبر سیاسی (پدر روان‌شناسی جدید ایران) به همراه دکتر محمدباقر هوشیار روان‌شناسی جدید را پایه‌گذاری کردند.
- 3) کتاب دکتر سیاسی علم‌النفوس (یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت) و کتاب دکتر هوشیار سنجش هوش یا روان‌شناسی علمی نام دارند. (این جووری حفظ کن: هر چی که هوش داره با هم دیگه‌اس و هر چی هم که سین داره با هم دیگه‌اس)

مکتب‌های روان‌شناسی

۱) ساخت‌گرایی

- ویلهلم وونت آن را پایه‌ریزی کرده است.
- در این مکتب، شعور یا آگاهی با تجزیه آن به عناصر متعدد مثل احساس، ادراک و هیجان تعریف می‌شود.
- این مکتب درباره عناصر بسیار ساده فرد تحقیق می‌کند تا روان او را بشناسد.
- ارزش این مکتب در این است که از فلسفه جدا شد و آگاهی را وارد آزمایشگاه کرد.
- در این مکتب برای شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده آگاهی از روش درون‌نگری استفاده می‌شود.

۲) کنش‌گرایی

- ویلیام جیمز این مکتب را پی‌ریزی کرد. به نظر جیمز، روان‌شناسی علمی طبیعی است و باید به طور عملی مورد مطالعه قرار گیرد.

- این مکتب سعی می‌کند عملکردهای هشیاری را مورد مطالعه قرار دهد نه عناصر تشکیل‌دهنده آن را! (هزار بار سوال بوده ها!!!)
- کنش‌گرایی فعالیت‌های خود را بر تحلیل و تجزیه آگاه، و عملکرد روان در سازگاری فرد با محیط خود متمرکز می‌کند.

۳) گشتالت‌گرایی: (این مورد رو خیلی خوب بخون که هر سال ازش سوال میدن، اونم بدون استثنا!)

- توسط کهلر، کافکا، ورتهایمر پایه‌ریزی شده است.
- از دیدگاه گشتالت‌گرایی، روان یا ذهن انسان قابل تجزیه نیست و ذهن باید بصورت یک کل در نظر گرفته شود. زیرا کل همیشه چیزی اضافه بر اجزای تشکیل‌دهنده خود دارد.

۴) روان‌کاوی

- فروید پدر مکتب روان‌کاوی است.
- طبق این مکتب انسان به طور تصادفی و ارادی عمل نمی‌کند بلکه بر اساس انگیزش‌های درونی، آرزوهای سرکوب شده یا ناآگاه عمل می‌کند. یعنی هر رفتاری از انسان سر می‌زند جبری است.
- ضمنا اینم یادت باشه که روش هیپنوتیسم، تداعی آزاد و تعبیر خواب در این مکتب کاربرد دارند.

۵) انسان‌گرایی

- پیشروان این مکتب کارل راجرز و آبراهام مازلو هستند.
- براساس این مکتب، رفتار انسان جبری نیست و انسان می‌تواند بر سرنوشت خود اثر بگذارد و یا حتی آن را کنترل کند. و در واقع می‌گه: انسان آزاد است و می‌تواند آزادانه و با اراده خود تصمیم بگیرد.
- طبق این مکتب، عمده‌ترین عاملی که فرد را به حرکت وا می‌دارد، نگرشی است که او به خود و دنیای اطراف خود دارد.
- اینم یادت باشه که همون جور که بالا ترم گفتم: انسان‌گرایان هر نوع جبرگرایی را رد می‌کنند.

۶) رفتارگرایی

- پاولف و واتسون در ارتباط با این مکتب تحقیق می‌کردند.

- این مکتب معتقد است فرد در برابر محیط خود واکنش نشان می‌دهد (نه بصورت جبری و نه با اراده خود)
- طبق این مکتب، مطالعه فرآیندهای ذهنی قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری است. (یعنی موضوع اصلیش مطالعه رفتارها)

۷) شناخت‌گرایی

- ژان پیاژه این مکتب را برای مطالعه رشد شناخت انسان ارائه کرده است.
- این مکتب انسان را یک تحلیل‌گر شناخت در نظر می‌گیرد.
- ضمنا اینم بدون که این مکتب، روی فرآیندهای شناختی تمرکز دارد و آنها را زیر بنای رفتار می‌داند.

۸) اجتماع و فرهنگ گرایی

- این مکتب رفتار را بصورت فرآیند اجتماعی وابسته به رشد تبیین می‌کند.
- طبق این مکتب انسان نمی‌تواند منزوی یا غیراجتماعی یا جدا از فرهنگ خود باشد.
- این مکتب، موجب ایجاد روان‌شناسی مردم‌شناسی و طرفداری از حقوق زنان شده است.

۹) زیست‌گرایی

این مکتب رفتار را با مطالعه اندام، سلول‌های عصبی و توارث تبیین می‌کند و در آن اعتقاد بر این است که رفتار، اساس عضوی دارد و می‌تواند در دستگاه عصبی مرکزی یا در برخی نوروها ایجاد شود و همچنین رفتار قابل پیش‌بینی است.

رشته‌های روان‌شناسی

(یه وقت نگي، این قسمت مهم نیست و نخونیا! خدا به سر شاهده ازش سوال اومده... به خدا که...!)

- ۱) روان‌شناسی حیوانی: مطالعه رفتار حیوانات در محیط طبیعی یا آزمایشگاهی به منظور مقایسه و تعمیم نتایج به رفتار انسان
- ۲) روان‌شناسی فیزیولوژیک: مطالعه رابطه رفتار و بدن برای شناخت فرآیندهای عصبی مثل حافظه و زبان.
- ۳) روان‌شناسی ژنتیک: مطالعه رفتار بر حسب رشد انسانه، و هدف آن شناخت رشد و لحظه‌های بحرانی آن است.
- ۴) روان‌شناسی اجتماعی: مطالعه رفتار فرد در گروه برای شناخت کنش‌های متقابل بین فرد و گروه و کمک به فرد برای سازگاری با اجتماع.
- ۵) روان‌شناسی زبان: مطالعه فرآیندهای مختص فرد از جمله زبان انسانی و زبان حیوانی، و هدف آن شناخت قوانین حاکم بر زبان و ارتباط کلامی است.
- ۶) روان‌شناسی تفاوت‌های فردی: درباره تشابه‌ها و تفاوت‌های انسان‌ها، و انسان‌ها و حیوانات مطالعه می‌کند و هدف آن شناخت رفتارهای بنیادی درون یک نوع و بین انواع است.
- ۷) روان‌شناسی بالینی: حوزه مطالعاتی در آن در ارتباط با تشخیص، پیش‌بینی، روابط کمک‌رسانی، پشتیبانی و درمان به منظور سازگاری فرد با محیط، ورود به اجتماع یا بازگشت به اجتماع در چارچوب سلامت روانی است.
- ۸) روان‌شناسی تربیتی: در آن کاربرد اصول روان‌شناسی در تعلیم و تربیت، مطالعه روش‌های مختلف یادگیری و فنون تدریس به منظور کمک به دانش‌آموز برای موفقیت در تحصیل، بررسی می‌شود.

۹) روان‌شناسی صنعتی: در انتخاب کارکنان، فنون تولید، تحلیل حرکات و مطالعه فنون حاکم بر بازار کاربرد دارد و هدف آن مطالعه فرد در محیط کار است.

۱۰) روان‌سنجی: این رشته درباره اندازه‌گیری، تهیه آزمون‌ها و تعیین روایی و کاربرد آنها تحقق می‌کند هدف این رشته، اندازه‌گیری، انتخاب و راهنمایی افراد است.

۱۱) روان‌شناسی عمومی: درباره مفاهیم بنیادی روان‌شناسی مثل یادگیری، حافظه، فراموشی، احساس و ادراک و... مطالعه می‌کند.

۱۲) روان‌شناسی آزمایشی (تجربی): کاربرد روش آزمایشی در روان‌شناسی را بررسی می‌کند. یعنی مشاهده پدیده‌ها، ارائه فرضیه‌ها و... و هدف آن پی بردن به روابط علت و معلولی بین پدیده‌هاست.

۱۳) روان‌شناسی شخصیت: درباره سبک یا شیوه یک فرد و چیزی که موجب تمایز یک فرد از دیگران می‌شود مطالعه می‌کند و هدف آن پی بردن به عوامل موثر در تکوین شخصیت و کمک به افراد سالم به منظور داشتن شخصیت سالم است.

۱۴) روان‌شناسی یادگیری: درباره چگونگی یادگیری انسان و حیوان و عوامل موثر در یادگیری مطالعه می‌کند.

۱۵) روان‌شناسی مرضی: درباره نابهنجاری‌های رفتاری به منظور پی بردن به علل آن‌ها و جلوگیری از اختلالات رفتاری مطالعه می‌کند.

۱۶) روان‌شناسی کودک: مراحل رشد کودک و نوجوان برای شناخت هرچه بیشتر عوامل موثر در رشد، در این رشته مطالعه می‌شود.

۱۷) روان‌شناسی مشاوره: در این رشته از یافته‌های روان‌شناسی در جهت راهنمایی دانش‌آموزان، دانشجویان و مردم عادی در جهت حل دشواری‌های سازگاری خود، استفاده می‌شود.